

# اشتغال زنان پیامدها و راهکارها

فاطمه عطار د

فصلنامه بانوان شیعه، ش ۸، تابستان ۸۵



**چکیده:** اشتغال زنان را باید با توجه به همگرایی لایه‌های دین و اصول حاکم بر خانواده، شخصیت زن و شئونات وی ارزیابی نمود. اشتغال زنان یک حق است و نه یک تکلیف که علاوه بر مزایا و پیامدهای مثبت، مانند: مشارکت در توسعه اجتماعی، اقتصادی و کمک به درآمد خانواده، دارای معایب و پیامدهای منفی، مانند: تعارض نقش، آسیب به کیان خانواده و تربیت نسل، و فشار مفرط بر زنان می‌باشد، که در برخی موارد دامن گیر خانواده و اجتماع می‌شود. در این زمینه باید در عین این که زمینه‌های استیفای این حق برای زنان عینی گردد؛ راهکارهای کاربردی در جهت تنقیص یا رفع معایب و آثار منفی اشتغال زنان طرح و اجرا گردد.

یکی از مهم‌ترین موضوعات در حیطه علوم سیاسی، اجتماعی و حقوق، موضوع «اشتغال زنان» است. مشارکت و نقش زنان در توسعه کشور، امری است که در چند دهه اخیر به آن توجه بسیار شده است. موضوع اشتغال زنان نه تنها در جامعه ما، بلکه در سطح جهان، مسئله مهم و قابل توجهی است. دوره پس از جنگ جهانی دوم (از سال ۱۹۴۵ به بعد)، را می‌توان به عنوان نقطه عطفی در تغییر موقعیت زنان، اشتغال آنها و دست‌یابی آنان به حقوق و دست‌مزد مستمر یاد کرد. خانواده نهادی است که از دیرباز، کارکردهای مهمی را مثل تنظیم روابط جنسی، حمایت عاطفی، تولید مثل و جامعه‌پذیری کودکان ایفا کرده است.

با توجه به الگوهای جهانی، زنان همیشه بیش از مردان، مسئولیت تأمین این کارکردها و به تبع آن، بار وظایف خانگی را بر دوش کشیده‌اند و همین امر نقطه عزیمت بسیاری از مباحث

فمینیستی را تشکیل داده، که هر کدام از زاویه‌ای خاص و با رویکرد ویژه‌ای به موضوع پرداخته‌اند. همچنین در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان مصوب سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) تأکید شده است بر حق انتخاب کار مورد علاقه، حق ارتقا و حق برخورداری از ثبات شغلی، حق بهره‌مندی از آموزش حرفه‌ای و کسب مهارت‌های شغلی بر مبنای تساوی زن و مرد و ایجاد امکانات به نحوی که زنان نیز بتوانند آزادانه شغل و حرفه مورد علاقه خود را انتخاب کنند. با رعایت مزد مساوی در برابر کار مساوی و استفاده از مرخصی با حقوق، ادامه کار در شرایط مطلوب شغلی، ایمنی کار و تأمین اجتماعی، بازنشستگی، بیکاری، بیماری، نقص عضو و پیری در ماده ۱۱ کنوانسیون تأکید فراوان شده است.

از سوی دیگر، ملاحظه می‌شود که در قانون اساسی کشور ما، به صراحت مانعی برای اشتغال زنان ذکر نشده است. دین مبین اسلام نیز اشتغال زنان را، به عنوان یک حق و نه یک تکلیف به رسمیت می‌شناسد. به عقیده بسیاری از صاحب نظران، نیروی انسانی یکی از منابع اصلی توسعه است، که شامل مجموعه افکار، عقاید، باورها، فرهنگ، دانش، مهارت و قدرت خلاقه افراد است و زنان نه تنها نیمی از این منبع توسعه هستند که مستقیماً به شمار می‌آیند؛ بلکه از دیرباز، پرورش دهنده و هدایت کننده هر دو نیمه این منبع بوده‌اند و خواه ناخواه زنان در پی‌ریزی ابعاد انسانی توسعه، نقش اساسی دارند که این نقش می‌تواند به صورت یک نقش مثبت یا منفی به منصفه ظهور برسد. از این رو، جامعه به مشارکت زنان و مردان نیاز دارد. در زمینه تأمین هر چه بیشتر مشارکت، در اعلامیه پیشرفت و توسعه اجتماعی دهه دوم استراتژی بین‌المللی توسعه، چنین آمده است: برای دستیابی به توسعه، باید بر مشارکت فعالانه زنان تأکید گردد. (مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۰، ص ۱۵)

مهم‌ترین مسأله‌ای که درباره اشتغال زنان در جریان توسعه باید مورد توجه قرار دهیم، وجود نقش‌های متعددی است که زنان باید به عنوان «همسر» و «مادر» به عهده گیرند و به صورت سستی به آن عمل کنند که گاه با نقش‌های جدیدتر آنان به عنوان فرد شاغل در خارج از خانه در تعارض است. یکی از کارکردهای مهم خانواده «جامعه‌پذیری» است. کودکان اولین فضایی را که برای رسیدن به رشد انسانی و آغاز فرآیند جامعه‌پذیری را تجربه می‌کنند، «خانواده» است. تأثیر خانواده به حدی است که شمار قابل توجهی از افراد بزه‌کار، که توانایی مشارکت اجتماعی ندارند و قادر به ایجاد ارتباط سالم با دیگران نیستند، کسانی هستند که از محل خانواده و دستان عاطفه گستر و حمایت‌گر والدین محروم بوده‌اند.

بازتاب اندیشه ۸۰  
۴۲  
اشتغال زنان  
پیامدها و  
راه‌کارها

دیوید سن با پذیرش دستاوردهای نهضت «فمینیسم»، آن را برای آینده فاقد هرگونه فایده‌ای می‌داند. او معتقد است: فمینیسم معاصر، اندیشه و موضع «شغل محور» را جایگزین وضعیت «خانه محور» کرده و بدین سان، ارزش خانه داری و روابط طبیعی سالم زن و مرد از بین رفته است. متأسفانه یکی از پیامدهای جنبش فمینیسم، تغییر نظام ارزشی و تزلزل خانواده است.

بنابراین، بهتر است اشتغال زن متناسب با شئونات زنانه طراحی گردد، به گونه‌ای که به روح و جان و جسم او آسیب نرسد. البته این حرف به معنای دور کردن زن از اجتماع نیست؛ چون در آن صورت، دیگر نباید به تسهیلات برای اشتغال زنان بیندیشیم. اگر آن‌گونه که اسلام مقرر کرده است، یک مرد در محیط خانه، با زن معاشرت به «معروف» داشته باشد و جامعه اسلامی و قوانین حقوقی، شغل خانگی زن را نه تنها از لحاظ معنوی، بلکه از لحاظ مادی به رسمیت بشناسد، بسیاری از زنان شاغل ترجیح می‌دهند که کار محیط خانه را به عنوان اشتغال برگزینند. ارزش شغل تربیت فرزند با هیچ میزانی سنجیده نمی‌شود و در جامعه اسلامی آن‌گونه که لازم است، نظام ارزشی جایگاه تربیت نسل را مشخص نکرده است. مهم‌ترین مزیتی که باعث می‌شود زنان به اشتغال روی آورند، «درآمدزایی» است. اشتغال اقتصادی زنان و درآمدزایی آنها موجب می‌شود که سطح زندگی خانواده از وضعیت بهتری برخوردار شود. از دیگر مزایایی که می‌توان برای اشتغال زنان ذکر کرد، موارد ذیل است:

کاهش انتظارات و توقعات زنان شاغل، ایجاد روحیه همکاری متقابل در خانواده، بالا رفتن اعتماد به نفس در زنان، افزایش مدیریت در امور خانواده، و درک بهتر مشکلات زندگی.

حق «اشتغال» یکی از حقوق اجتماعی است. ضروری است زنان حاضر در این عرصه، از اطلاعاتی جامع درباره الگوی اقتصاد زن مسلمان برخوردار باشند تا دچار افراط و تفریط نگردند. روشن است که آگاهی از دیدگاه دینی، درباره مجموعه نظام اقتصادی و نقش زنان در آن، می‌تواند راه کارها را به سمت مطلوب تری جهت دهد. در عهد پیامبر ﷺ، مسئله اشتغال زنان و کسب مهارت‌های لازم برای آنان امری رایج بود و این امر هم با منع پیامبر اکرم ﷺ مواجه نشد؛ اشتغالاتی مانند: صنایع دستی، تجارت‌های خرد و کلان و پرستاری.

قاعده و قانون دینی اقتضای می‌کند که، زنان در امر امرار معاش، احساس وظیفه نکنند؛ بلکه صرفاً مهمان و مصرف‌کننده‌ای آسوده خاطر باشند. طرح نظام مالی دین برای زنان، ثروت‌های بدون دردسری را رقم می‌زند؛ مثل: نفقه، مهریه و ارث. از این رو، در اصل مالکیت، نه تنها دین اسلام فروگذار ننموده، بلکه زنان را از دغدغه اقتصاد خانواده رها ساخته است. اکنون اگر دختران بخواهند تولید ثروت کنند و شغلی برای خود انتخاب نمایند، از منظر دین مانعی ندارد. اسلام اصل مالکیت زن و مرد را این‌گونه بیان می‌کند: (لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ) (نساء: ۳۲) برای مردان از آنچه کسب می‌کنند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه خود به دست می‌آورند بهره‌ای است. آیه دیگری که در مبحث اشتغال باید مورد توجه قرار گیرد این آیه است: (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِىْ اَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (بقره: ۲۳۴) بر شما باکی نیست در آن (اموری) که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می‌دهند. اطلاق و عموم آیه مزبور شامل اتخاذ شغل نیز می‌شود. بر این اساس، زنان می‌توانند برای خود شغلی اختیار کنند، منوط به آن‌که خروج از منزل، انتخاب نوع شغل و زمان اشتغال بر اساس معروف باشد؛ یعنی اگر زنان بخواهند برای آن بخش از عمر خود که فارغ از انجام حقوق دیگران است، برنامه‌ریزی نمایند، مانعی ندارد؛ البته به شرط آن‌که در محدوده «معروف» یعنی اصول و قواعد عقلانی انسانی و اسلامی عمل نمایند. برای مثال، شغل آنها با حیثیات خود و خانواده و با استلزامات زندگی خانوادگی و با روحیه عاطفه‌گستری آنها منافات نداشته باشد. بنابراین در اسلام، حق اشتغال برای زنان به رسمیت شناخته شده است.

در خصوص مشارکت فعال زنان در جامعه، دو دیدگاه متعارض وجود دارد: عده‌ای معتقدند: زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، باید با مشارکت خود در توسعه کشور بکوشند؛ اما در مقابل، عده‌ای می‌گویند: در برنامه‌ریزی اقتصادی، این مهم باید مورد توجه قرار گیرد که به زنان به عنوان نیروی کار الزامی نگاه نکنند و در چرخ اقتصاد ملی و جهانی، حضور زنان را یک ضرورت تلقی نمایند که بخواهند به عنوان یک وظیفه در بهبود وضعیت اقتصادی، نقشی به عهده گیرند. اگر حضور زن در عرصه اقتصاد یک ضرورت و تکلیف اجتماعی تلقی گردد، قطعاً این اندیشه در تمام سطوح اقتصادی اثر خواهد نهاد و در نتیجه، به تغییر باورهای عمومی خواهد انجامید، به گونه‌ای که اعضای خانواده علاوه بر درخواست تمام کارهای بی‌مزد او، خواستار نقش اقتصادی او هم هستند و این مشکل زنان را حل نخواهد کرد.

بازتاب اندیشه ۸۰  
 ۶۶  
 اشتغال زنان  
 پیامدها و  
 راهکارها

در بعضی موارد مهم‌ترین مسأله‌ای که باعث می‌شود زنان به اشتغال روی آورند، موضوع «درآمدزایی» است. درآمد زن گاهی کشتی نجات خانواده است و برای بقای خانواده، اهمیت بسیار دارد. در کشورهای جهان سوم، گاهی مردان به تنهایی نمی‌توانند زندگی را تأمین کنند. درباره این مزیت، باید گفت: درست است که زن شاغل، درآمد دارد، اما زن‌های خانه‌دار نیز فعالیت‌های جانبی درآمد دارند. منظور از «فعالیت‌های جانبی درآمد» فعالیت‌هایی مثل نظافت، پخت و پز، اتوکشی، بچه‌داری و مانند آن است که هرگاه توسط کسی به جز زن خانه‌دار انجام شود، باید برای آن پول پرداخت گردد و فعالیت‌های زنان در این زمینه‌ها در واقع، جانبی درآمد برای خانواده می‌شود. برخی پژوهش‌ها مزایا و معایب اشتغال زنان را از عده‌ای شاغل و غیرشاغل مورد پرسش و تحقیق قرار داده‌اند. به جاست در اینجا به نتیجه آمار اشاره‌ای داشته باشیم: یکی از نتایج این تحقیق آن است که بیشترین اثر منفی اشتغال زن معطوف به «کاهش آسایش و راحتی» و همچنین «خستگی» او در اثر فشار کار داخل و خارج از منزل است. طبق دیگر از نتایج تحقیق، تقلیل ساعات کار می‌تواند در کاهش اثرات منفی اشتغال زن مؤثر باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد خانواده‌ها دچار کمبود وقت هستند، در صورتی که خانواده و برآورده نمودن نیازهای عاطفی افراد خانواده، احتیاج به صرف زمان دارد. لزوم سرمایه‌گذاری زمانی، به ویژه در مورد فرزندان، بسیار محسوس است. در زمانی که فرزند ایام کودکی را پشت سر می‌گذارد و شخصیت اصلی‌اش شکل می‌گیرد و در زمانی که ایام نوجوانی را با بحران‌ها سپری می‌کند، نیاز به صرف زمان دارد. این امر نه تنها در سلامت و بهداشت روانی خانواده، بلکه در سلامت جامعه نیز مؤثر است.

کمبود وقت و به دنبال آن، کاهش آسایش و راحتی برای زنان یکی از پیامدهای اشتغال آنهاست و نیز دو مشکل عمده دیگر برای زنان شاغل وجود دارد: اول مراقبت از فرزند در ساعاتی که مادر در محل کار عرضه می‌شود. دیگری نوبت دوم کار است که زن پس از بازگشت از محل کار به خانه، باید به انجام آن بپردازد.

یکی دیگر از معایب اشتغال زنان، «تحقیر زنان در برخی مشاغل» است. دلایلی اثبات می‌کند که زنان امروزی برای بعضی مشاغل مناسب‌تر از مردان هستند. اگر به اطراف خود نگاهی بیندازیم، می‌بینیم اکنون مردان برای بعضی کارها، فقط زن استخدام می‌کنند؛ مانند فروشنده‌گی، بازاریابی و یا منشی‌گری. دلایل این امر عبارت است از:

۱. مزد کمتر و سربه راهی بیشتر؛ دلایل اصلی ترجیح استخدام کارگران زن برای بعضی از مشاغلی که به مهارت نیاز ندارند، این است که زن‌ها نیروی کار سربه‌راه‌تر و ارزان‌تری هستند و آمادگی انجام مشاغلی را دارند که مردان از پذیرفتن آنها سرباز می‌زنند.

۲. مهارت‌های مرتبط با وظایف خانگی (یا زنانگی): مثل فروشندگی لباس‌های زنانه، آبدارچی‌گری و نظافت؛

۳. جاذبه زنانه: زنانگی خود کیفیتی است که سبب می‌شود کارفرمایان زنان را برای بعضی از مشاغل همچون فروشندگی و پیش خدمتی، که در این مشاغل، ویژگی زنانه در جلب مشتریان مؤثر است، مناسب‌تر تشخیص دهند.

متأسفانه این دلایل حاکی از توهین و تحقیر و سوء استفاده از زنان است که حقیر شمردن زنان منجر به این مسأله شده است. در بعضی موارد یکی دیگر از پیامدهای منفی اشتغال زنان، تنوع، تعدد و تعارض وظایف و نقش‌های زنانه است. در بیشتر جوامع، کار نقش اولیه اجتماعی مردان است؛ چون از مرد انتظار می‌رود مایحتاج خانواده خود را تأمین کند. پسرها از ابتدا، به گونه‌ای آموزش داده می‌شوند که در بزرگ سالی بتوانند جایگاه خود را در اجتماع بیابند. اما در مقابل، نقش اولیه زن، همسر و مادر بودن است. از زنان انتظار می‌رود از ابتدا وظایف مادر بودن و همسر بودن را به وجهی عالی آموزش ببینند. از این رو، دختران به طور سنتی، با مسائل خانه‌داری (همسری و مادری) آشنا می‌شوند. به همین دلیل، بین کارکردن زن و مرد تعارض پیش می‌آید؛ چون مرد نقش اولیه‌اش کار کردن در بیرون از خانه است، اما برای زن، کار در بیرون از خانه نقش دوم است. زن باید وظیفه مادر بودن و همسر بودن را مقدم بر کار بیرون بداند. بدین روی، قبول نقش‌های چندگانه برای زنان، ممکن است همراه با اضطراب و عصبانیت و عدم آرامش باشد. مرد تمام توجه خود را به کارش معطوف می‌کند، اما زنان شاغل باید به طور همزمان، به درخواست‌های محیط کار، خانه و خانواده پاسخگو باشند. اگر بچه مریض شود خللی در کار مرد ایجاد نمی‌کند، اما همین مسأله موجب می‌شود زن محل کارش را ترک کند. متأسفانه در بعضی از موارد یکی دیگر از پیامدهای منفی اشتغال زنان که باید به آن اشاره کنیم، تضعیف روابط احساسی و عاطفی میان زن و شوهر است. این در صورتی است که اسلام اساس رابطه زن و شوهر را بر مودت و رحمت قرار داده است. شاید یکی از پیامدهای منفی طلاق این است که، میزان طلاق در بین زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل است.

از دیگر پیامدهای منفی، پیامدهای است که متوجه خود زنان شاغل است. به نظر می‌رسد این مهم‌ترین پیامد منفی است که در بررسی‌ها فراموش شده و آن «سلامتی و شادابی زن شاغل» است. ممکن است اگر شغل زن در شرایط مناسب محقق نشود زن، از این نظر آسیب ببیند. با کمال تأسف، پدیده‌ای به نام «رماتیسم اشتغال» (میل کاذب به اشتغال) در میان دختران جوان شایع شده است. این میل نامطلوب موجب می‌شود، دختران ما به بهانه اجتماعی شدن و یا برای این‌که به مردان نشان دهند که آنها هم می‌توانند کار کنند، خود را دچار رنج و مشقت کنند، غافل از اینکه در ازای این کار، به سلامتی و شادابی و نشاط روحی و جسمی خود آسیب می‌رسانند. البته دغدغه بی‌وفایی و خیانت و بی‌مسئولیتی مردان نیز بسیاری از زنان و دختران را به این امر وامی‌دارد. متأسفانه اولین کسی که ممکن است در اشتغال آسیب ببیند، خود زن شاغل است؛ نفر دوم کودکش و پس از آن کانون گرم خانواده‌اش قرار دارد. درست است که هم جامعه نیاز به اشتغال زنان دارد و هم عده‌ای از زنان به درآمد نیاز دارند، ولی چقدر خوب است تدابیری اندیشیده شود که این پیامدهای منفی حتی الامکان تقلیل پیدا کند.

اکنون معضل فروپاشیدگی خانواده، متفکران غربی را واداشته است به این امر به‌طور جدی بیندیشند، ولی به گونه‌ای که هم این واحد کوچک به صفای دیرینه‌اش برگردد و هم از امتیازات مدرنیته بی‌بهره نماند. در همین زمینه، تافلر در موج سوم، از احیای مجدد خانواده فروپاشیده موج دوم و بازگشت اقتدار و احترام خانواده، که بر پایه سود و منفعت اقتصادی و تغییر شکل شیوه تولید در موج سوم استوار است، سخن می‌گوید. او استدلال می‌کند که انجام کار در خانه و عدم حضور افراد در محل و مراکز فعالیت، هم صرفه‌جویی در وقت و انرژی را باعث می‌شود و هم حضور طولانی اعضای خانواده را موجب می‌گردد که خود، موجب افزایش پیوند عاطفی آنها می‌شود.

مسلم است که اشتغال یک حق (و نه تکلیف اولیه) طبیعی و تکوینی و اجتماعی و اقتصادی مسلم برای زن است و نمی‌توان به بهانه پیامدهای منفی، از آن صرف نظر کرد. بنابراین، بهترین راه کار آن است که تدابیری اتخاذ شود، تا ضمن تعدیل فعالیت و کار برای زنان و حمایت از شغل‌های مثبت و متناسب با شئون زنان و خانگی، سعی گردد حتی الامکان پیامدهای منفی اشتغال را به حداقل برسد و حتی متنفی گردد. پیشنهادات ذیل در همین زمینه ارائه می‌گردد:

۱. «پرداخت حق تأهل اشتغال خانگی» به زنان است. دولت به مردان متأهل «حق تأهل» می‌دهد، ولی به زنان متأهل چیزی به این عنوان نمی‌دهد، در صورتی که عملاً زنان شاغل درآمد خود را خرج خانواده خود می‌کنند. به نظر می‌رسد همان‌گونه که مردان، «حق تأهل» می‌گیرند، زنان نیز باید معادل آن، «حق خانه‌داری» دریافت کنند؛ چون زنان نیاز به مستخدم دارند تا کارهای خانه را انجام دهد. این بی‌انصافی است که زنان شاغل درآمدشان خرج زندگی شود، اما جز خستگی و عصبانیت و بیماری چیزی از آن عاید خودشان نگردد.
۲. جلب همکاری مردان در انجام وظایف خانگی از طریق وسایل ارتباط جمعی؛
۳. بررسی راه‌کارهایی که کار از ادارات به منزل منتقل شود؛
۴. امکان‌پذیر ساختن کار نیمه وقت به‌طور متوالی با پشتوانه مناسب و اجرای عدالت و پرداخت حقوق؛
۵. پرداخت حق عائله‌مندی و حقوق بازنشستگی کامل پس از طی سال‌های کار نیمه وقت به زنان.

## ● اشاره

هرچند که در این مقاله سعی شده تا دیدگاهی واقع‌بینانه و سلیم از پیامدهای اشتغال زنان طرح شود، ولی با این حال جای تأمل در پاره‌ای از مطالب باقی است که برخی موارد اشاره می‌شود:

۱. این که «دوره پس از جنگ جهانی دوم را، می‌تون به عنوان نقطه عطفی در تغییر موقعیت زنان و اشتغال آن‌ها و دستیابی آنان به حقوق و دست‌مزد مستمر یاد کرد» جای تعجب و شگفتی است؛ زیرا از دیدگاه فمینیستی آن هم فقط در کشورهایایی که هیچ شأن و جایگاهی برای زنان قائل نمی‌شدند، شاید چنین تصویری صحیح به نظر برسد، در حالی که در واقع امر، آسیب‌های زنان در کشورها بعد از جنگ جهانی دوم از نوعی به نوع دیگر بدل گشت زیرا دفاع از حقوق زنان در این دوره، پوششی جهت توسعه نظام سرمایه‌داری و در راستای تقویت آن انجام شد و به واقع نقطه عطف در حقوق زنان به ظهور اسلام بر می‌گردد.

بازتاب اندیشه ۸۰  
۴۸  
اشتغال زنان  
پیامدها و  
راه‌کارها

۲. این که «در قانون اساسی به صراحت مانعی برای اشتغال زنان ذکر نشده است» به این خاطر بوده که این قانون در مقام بیان مسأله شغل زنان نبوده و این مسأله مربوط به حقوق مدنی و خانواده می‌باشد که باید دیدگاه قانونی را در مورد خودش فحص و بررسی نمود.

۳. این بیان که «زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور نقش مهمی در توسعه کشور دارند» هرچند که صحیح است؛ ولی این مطلب را نباید فراموش کرد که توسعه یک سرزمین



تنها از بعد اقتصادی نیست و مرتبط با اشتغال بانوان نمی‌باشد؛ زیرا در حقیقت زنان به خاطر نقش خاص و ویژه تربیتی‌شان به طور غیرمستقیم در زمینه توسعه اقتصادی کشور فعال هستند و در زمینه توسعه، یکی از فاکتورها میزان افراد است؛ اما مسلماً مهم‌ترین فاکتور بهره‌وری و راندمان بالای اشخاص است که این حاوی ارزشمندی و ارتقای سطح توسعه خواهد بود.

۴. درباره این بیان که «اگر جامعه اسلامی و قوانین حقوقی شغل خانگی زن را نه تنها از لحاظ معنوی بلکه از لحاظ مادی به رسمیت بشناسد، بسیاری از زنان شاغل ترجیح می‌دهند که کار محیط خانه را به عنوان اشتغال برگزینند» باید گفت که در این طرح، اشکالاتی مکتوم است از جمله اینکه؛ درآمد متوسط در جامعه ما معمولاً کم می‌باشد و معمولاً درآمد مردان، به ویژه در آغاز زندگی کفاف ضروریات زندگی یک زوج را نمی‌دهد و به همین خاطر است که برخی از زنان با مشقات و درس‌های فراوان به دنبال تحصیل شغل و ایجاد درآمد می‌روند. نیز محیط خانواده وقتی می‌تواند مولد انرژی و پویایی برای زوجین باشد که اصل و اساس همکاری میان زوجین را تفاهم و عشق و علاقه رقم بزند. لذا به لحاظ فرهنگی، ساختاری و موقعیت اجتماعی عمومی در جامعه فعلی ما امکان طرح چنین مسأله‌ای صحیح نمی‌باشد و امکان دارد به روابط عاطفی میان اعضای خانواده لطمه وارد سازد.

نیز در پایان لازم است خاطر نشان نماییم که، بهترین شیوه زندگی که سلامت فرد و جامعه را تضمین می‌نماید، حرکت و پویایی در مسیر طبیعی خلقت و زندگی است که دستورات اسلامی آیینة تمام‌نمای آن می‌باشد. و چه خوب است به جای اهمیت دادن بیش از حد به مسائل اقتصادی، اولویت را به مسائل اخلاقی و تربیت صحیح نسل نو بدهیم تا از نتایج و دستاوردهای نسل‌های گذشته، لایق‌ترین افراد و کسانی که قدرشناس اهتمام نسل‌های پیشین می‌باشند استفاده نمایند و این مهم جز با پرورش و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های بالقوه‌ای که در زنان در زمینه همسرمداری، تربیت فرزند وجود دارد امکانپذیر نیست و جز در موارد ضروری توصیه به استیفا و اجرای حق اشتغال از سوی زنان ننماییم، زیرا در هر حال توان بشر چه زن و چه مرد محدود است و نباید گذاشت تا والاترین سرمایه وجودی زن که لطافت جوهری و جوشش عاطفی او برای حرارت بخشی به کانون پر بار خانواده است، به خاطر اشتغال پردر دسر و آسیب‌های روحی از دست رود.